گفت و گوی «ایران» با جانشین اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران

زندگی پر هیجان مادری که کارآگاه پلیس است



گروه حوادث: مرضیه همایونی/ «زنان با یک دست گهواره را تکان می‌دهند و با دست دیگر، دنیا را به حرکت درمی‌آورند.» این جمله معروف از باور به قدرت و اراده و توانمندی زنان حکایت دارد. سال‌هاست که زنان دوشادوش مردان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قدم برداشته و گاه حتی از آنان پیشی گرفته‌اند. این در حالی است که زنان همزمان در خانه نیز از عهده نقشی مهم‌تر که همانا همسری و مادری است به خوبی برآمده‌اند. یکی از مشاغلی که سال‌هاست زنان دوشادوش مردان در آن انجام وظیفه کرده‌اند خدمت در کسوت پلیس است. سابقه پلیس زن در کشور ما به سال ۱۳۴۵ برمی‌گردد که اولین زنان پلیس از دانشکده افسری فارغ التحصیل شدند. بعد از انقلاب چند سالی از زنان پلیس در خدمات دفتری و غیرعملیاتی استفاده می‌شد تا اینکه دوباره از سال ۱۳۷۸ پذیرش و تربیت پلیس زن با تصویب مجلس شورای اسلامی آغاز شد. برای آشنایی بیشتر با سختی‌های این شغل به سراغ سرهنگ کارآگاه طاهره میرزا خانلو، جانشین اداره شانزدهم پلیس آگاهی رفتیم. او که نمونه‌ای از یک پلیس زن موفق است به عنوان کارآگاه برتر سال انتخاب شده و با تکیه بر هوش، تجربه، دقت و قدرت تحلیل خود، به رمزگشایی از پرونده‌های پیچیده جنایی می‌پردازد و با صبر و تیزبینی، از میان انبوهی از ابهامات و سرنخ‌های پراکنده، رد حقیقت را دنبال می‌کند؛ درست مانند کسی که در میان انباری از کاه، سوزنی را پیدا می‌کند. او نشان داده است که برای کشف حقیقت، نه جنسیت، بلکه دانش، جسارت، تجربه و اراده حرف اول را می‌زند. او تنها زن جانشین پلیس اداره مبارزه با جرایم جنایی در تهران است. می‌گوید دوست داشته پزشک شود اما تشویق و ترغیب پدر و مادرش که هر دو در ارتش خدمت می‌کردند باعث شد که او نیز وارد نظام شود.

آیا به نظر شما شم پلیسی را از پدر و مادرتان به ارث برده اید؟

به نظر خودم بله. من کارآگاه برتر زن در سال ۱۴۰۲ شدم. سال ۷۸ دانشگاه افسری قبول شدم و سال ۸۲ وارد اداره آگاهی شدم. ابتدا کارهای عملیاتی نظیر تعقیب و مراقبت، بازداشتگاه و بعد در اداره جعل و کلاهبرداری کار کردم و از سال ۹۹ به اداره شانزدهم آمدم و ابتدا افسر پرونده بودم و پرونده‌هایی که سرنخی نداشتند و تقریباً ناشناخته بودند و متهم‌ها مشخص نبودند را رسیدگی کردم و بعد از آن جانشین اداره شانزدهم شدم.

از سختی‌های مسیر برای رسیدن به این جایگاه بگویید.

من واقعاً زحمت کشیدم و سال ۹۸ نشان کارآگاهی‌ام را گرفتم. برای دریافت این نشان ما باید یک سری آزمون‌های آمادگی جسمانی، تیراندازی و... را می‌گذراندیم. در این میان باید ۲۰ پرونده موفق هم داشته باشیم. درنهایت موفق شدم نشان کارآگاهی‌ام را بگیرم و بنا به ضرورت سازمان، به اداره شانزدهم پلیس آگاهی آمدم. چون اداره شانزدهم اداره‌ای هست که بیش از ۹۰ درصد از مراجعه کنندگان خانم هستند. حضور من باعث شد که اولاً خانم‌ها حرف‌هایشان را راحت‌تر به من بگویند از طرفی چون خودم مادر هستم نسبت به پرونده کودکان و نوجوانان حساسیت بیشتری دارم. در این مدت توانستم خیلی از پرونده‌ها را که کشف نشده بود گره‌گشایی کنم.

گفتید ابتدا که وارد اداره آگاهی شدید به بخش عملیات رفتید؟

روزهای اولی که وارد اداره آگاهی شدیم چون تجربه زیادی نداشتیم به بخش عملیات وارد شدیم که تعقیب و مراقبت متهم‌ها، گشت، بازداشتگاه و ... همه این موارد را به ما یاد می‌دادند. به عنوان مثال تبحر خاصی در شناسایی جیب بران پیدا کردم تمام فنون این کار را یاد گرفتم و یک آلبوم از این متهم‌ها تهیه کرده بودم. زمانی که داخل مترو می‌رفتم خیلی از آنها را می‌شناختم. در بازداشتگاه هم با انواع متهم‌ها و انواع جرم‌ها، آشنا می‌شویم.

در اداره شانزدهم پرونده‌هایی دارید موسوم به ناشناس در این باره توضیح می‌دهید؟

پرونده‌های ناشناس یعنی پرونده‌هایی که فردی مورد تعرض و آزار و اذیت قرار گرفته اما متهم یا متهمان آن مشخص نیستند. چون قربانیان به خاطر اضطراب و ترس نمی‌توانند متهم را شناسایی کنند. لحظه اول تحقیق و بازجویی از این افراد خیلی مهم است چون بعد از آن دیگر خیلی از جزئیات فراموش می‌شود. این موضوع در خصوص بچه‌ها حساس‌تر است چرا که بچه‌ها گاهی بعضی موارد را پنهان یا در مورد آن غلو می‌کنند به همین دلیل خیلی مهم است که بتوانیم با آنها ارتباط درست برقرار کرده و اعتمادشان را جلب کنیم به این دلیل وجود یک خانم در این اداره مهم است.

در حال حاضر شما دومین مقام ارشد این اداره هستید و چندین افسر مرد تحت مدیریت شما کار می‌کنند آیا تا به حال پیش آمده که دستوراتتان را اجرا نکنند؟

این صندلی را من به سختی به دست آوردم‌ام خیلی تلاش کردم تا خودم را ثابت کنم و به من اعتماد کنند و بدانند یک زن هم می‌تواند در چنین جایگاهی قرار بگیرد. من از خود این افراد هستم. پرونده‌هایی را کشف کردم که بسیار سخت و حساس بود. اگر آنها پرونده‌هایی را رسیدگی کردند که یک متهم داشت من پرونده‌هایی را به نتیجه رساندم که متهم هایش زیادتر بودند. به همین دلیل است که الان اگر دستوری به همکارانم می‌دهم می‌دانند که من هم از خودشان هستم و پله پله بالا آمده‌ام و به اینجا رسیده‌ام همکارانم و افسرهایی که با من کار می‌کنند می‌دانند که من روی حساب و قانون و قاعده حرف می‌زنم.

به طور کلی چه پرونده‌هایی در اداره شانزده رسیدگی می‌شود؟

پرونده‌های زیادی شامل پرونده‌های تجاوز و تعرض، اسیدپاشی و تهدید به قتل. به عنوان مثال مدتی قبل خانمی که منشی شرکت بود شکایت کرد که ساعت ۹ شب بعد از بازگشت از محل کارش روی پل هوایی، آقایی به بهانه پرسیدن ساعت به او نزدیک شده اما ناگهان با دستش محکم به صورت او کوبیده که گیج شده بعد وی را به سمت شمشادهای کنار بزرگراه برده و تعرض کرده بود. وقتی اینجا آمد حالش خیلی بد بود و مدام می‌گفت که یادم نمی‌آید چه اتفاقی افتاده. ساعت‌ها با این خانم صحبت و سعی می‌کردم آن شب را به خاطر بیاورد. تا اینکه گفت یادم می‌آید آن فرد بوی تعفن بدی می‌داد شبیه آشغال و یک نشانی از لباس آن فرد داد. یک هفته کار ما این بود که در آن محل می‌گشتیم تا اینکه موضوعی در ذهنم جرقه زد که چرا من روز دنبال سوژه مان می‌گردم چرا شب نمی‌روم! همان شب رفتیم به محل و چند نفر را دیدیم که حالت عادی ندارند و گونی‌های بزرگی هم کنار دستشان بود. با آنها شروع به صحبت کردیم و یک دفعه همان نشانی که زن جوان داده بود را روی لباس یکی از آنها دیدم. او را به اداره آگاهی بردیم و درنهایت به متهم‌مان رسیدیم.

در مورد پرونده کودکان چه توصیه‌ای به خانواده‌ها دارید؟

از خانواده‌ها می‌خواهم اگر خدایی نکرده فرزندشان قربانی جنایت سیاه شد آنها را نترسانند. این اتفاق ممکن است برای هر کسی و در هر شرایطی رخ دهد اما در رابطه با بچه خیلی مهم‌تر است و باید به پلیس اعلام شود تا از حوادث بعدی پیشگیری کنیم. از طرفی این بچه‌ها نیاز به روان‌شناسی و درمان دارند. چند توصیه به والدین اینکه به هیچ عنوان فرزندانتان را به افراد غریبه نسپارید و به کسی اعتماد نکنید. ما پرونده‌های زیادی داریم که بچه‌ها در کلاس‌های ورزشی مختلف، آموزشی و حتی هنگام بازی در کوچه و خیابان یا خانه دوست و همسایه مورد آزار قرار گرفته‌اند بنابراین پدرومادر باید خیلی مراقب فرزندانشان باشند و نکات آموزشی دراین باره را به آنها یاد بدهند.

یکی از دلایلی که برخی قربانیان از شکایت خودداری می‌کنند ترس از برملاشدن اطلاعات و موارد شخصی و خصوصی است به این افراد چه توصیه‌ای دارید؟



قربانیان مطمئن باشند که به هیچ عنوان اطلاعات و جزئیات ماجرا برملا نمی‌شود و هیچ‌کس به این اطلاعات دسترسی ندارد و من خودم به عنوان یک خانم از آنها تحقیق می‌کنم که راحت‌تر بتوانند جزئیات را بیان کنند. اگر واقعاً چنین مشکلی برای خانم‌ها پیش آمده حتماً شکایت کنند به این دلیل که ممکن است این اتفاق برای شخص دیگری هم رقم بخورد و از سویی عامل این حادثه تلخ به مجازات برسد. پرونده بچه‌ها نیز به صورت ویژه رسیدگی می‌شود و خیلی مهم است که به سرعت آنها را به اداره پلیس بیاورند.

شما در اداره جعل و کلاهبرداری هم کار کردید، از خاطرات این اداره بگویید؟

اولین باری که وارد اداره کلاهبرداری شدم پرونده‌های یک رمال را به من دادند و برایم جالب بود که چقدر مردم راحت به این افراد اعتماد می‌کنند. بعد از آن پرونده‌های فریب در ازدواج را به من دادند. یکی از این پرونده‌ها از این قرار بود که آقایی با همسرش به خواستگاری دو خانم پولدار رفته بود. گفته بود خواهرم است و تمام کادوهایی که برای آنها خریده بود شبیه هم بود. زمانی که به آنها گفتم این خانمی که می‌آمد خواستگاری شما، همسرش بوده، آنها باور نمی‌کردند. حتی هدایا را همسر این آقا خریداری می‌کرد. نحوه انتخاب سوژه‌ها هم به این صورت بود که با شناسایی دختران پولدار، این خانم می‌گفت که برادری دارم که از شما خوشش آمده و قصد ازدواج دارد و بعد هم نقشه کلاهبرداری شان را اجرا می‌کردند.



از پرونده‌های اداره جیب بری خاطره‌ای ندارید؟

از بس جیب برها را بازداشت می‌کردیم دیگر با دیدن افراد می‌فهمیدم چه کسی جیب بر است. سال اولی که رفته بودیم این اداره به ما گفتند در یکی از نمایشگاه‌های بزرگ یک جیب بر از مردم سرقت می‌کند. مشخصات یک خانم را به ما دادند. در میان جمعیت یک خانمی را با آن مشخصات دیدم جلو رفتم و گفتم که شما فلانی هستید؟ با اعتماد به نفس خاصی گفت نه اشتباه گرفتی. من هم فکر کردم اشتباه گرفته‌ام اما از او که فاصله گرفتم یکی از همدستانش خیلی اتفاقی او را صدا کرد و من فهمیدم که او سوژه خودمان است همان موقع فرار کرد و ما هم دنبالش کردیم و دستگیر شد. از آنجا یاد گرفتم راحت به حرف کسی اعتماد نکنم.

آیا در خانه هم به پرونده‌ها رسیدگی می‌کنید؟

در مورد پرونده‌های ناشناس و بچه‌ها با همسرم که پلیس است مشورت می‌کنم. اما اینکه بخواهم کار اداره را به خانه ببرم و بچه هایم را درگیر کنم نه. پلیس بودن برای یک زن کار خیلی قشنگی است. من همیشه با افتخار می‌گویم که پلیسم و برای این کار خیلی زحمت کشیدم اما از جایگاهم هرگز سوء استفاده نکردم. در مورد بچه هایم هم تجربه‌های کاری‌ام باعث شده بیشتر مراقبشان باشم نه اینکه محدودشان کنم اما حواسم بیشتر به آنهاست.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۱۸۸

جدول عادی

افقی

۱ - میوه پرآب - اثر حماسی فردوسی
۲ - مادر خودمانی - هاله ماه - لطافت و ظرافت
۳ - جامه‌ها - سلام و دعا - مقابل «رسیده»
۴ - موی گردن اسب - نام آذری - در شعر همراه قافیه می‌آید - مروارید
۵ - تاکسی ده‌نفره - مساوی، هم‌سنگ - پس و پشت
۶ - بی‌خانمان - میدانی در تهران - باریک‌تر از آن نیست
۷ - وسیله ساده نگارش - حق تقدم - نام حشره‌ای
۸ - کلبه چوبی - ماری بزرگ‌جثه و غیرسمی - دوران پس از بیماری
۹ - همدم - اعضای یکدیگرند - از بقولات
۱۰ - رها و آزاد - روشی در انتقال وجه - دنباله، پیگیری
۱۱ - نهنگ - انتقال بیماری - یک مجموعه همایش جهانی
۱۲ - معشوق - جلوه‌گر شدن - نت میانی - مخفف من را
۱۳ - حیا - پاندول ساعت - باطل شده
۱۴ - گیاه رنگرزی - کشور آفریقایی - ارجمندی
۱۵ - اثر تاریخی همدان - فصل گرم

عمودی

۱ - اثر خواجوی کرمانی - ساز شستی‌دار
۲ - در حال نالیدن - واسطه معامله - علاوه، بیش
۳ - وسیله زورخانه - قاضی ورزشی - بسیار سخت و درهم پیچیده
۴ - یار «رامین» - پیروز شدن - عضو راهی - شرکتی کامیون‌ساز
۵ - گریزان - این عنصر فلزی در صنعت کاربردهای گسترده‌ای دارد - امر به ساییدن
۶ - رشته باریک - خدمتکار پیر - لاک‌پُشت کارتونی
۷ - شهر بی‌قانون - رفت و آمد - بادام ته حلق
۸ - نویسنده - پرچم - ظرف پذیرایی
۹ - با «گفت» آید - طرفدار، حامی - گذرگاه فرودگاهی
۱۰ - نظریه - نشان ورزشی - حرف معرفه
۱۱ - نفس خسته - متواضع - روزگارها
۱۲ - تولیدی شاطر - از ویتامین‌ها - در دایره .... ما نقطه تسلیمیم - بدشگون
۱۳ - مهاجم و گلزن استقلال - دومین شهر بزرگ استان مرکزی - شادمانی
۱۴ - تکرار شده - منبع غنی پروتئین - آسیب جسمی یا روحی
۱۵ - فرمان سکوت - رنجی فراوان بردن برای نیل به مقصودی

جدول ویژه

افقی

۱ - غذای محلی اردبیل - قند مصنوعی
۲ - منبع غنی پروتئین - خنک کننده تابستان - لقمه شتری
۳ - ساز میزمانند - قیافه و صورت - جنس کلاه روستایی
۴ - عضو مرغ - کدبانوی خانه - بافنده - امر به ساییدن
۵ - صحنه نمایش - جانشینی - دارای مزیت
۶ - نرم‌افزاری مفید - کیسه‌کش حمام - لباس یک‌دست
۷ - داخل شدن - درختچه‌ای در جنگل‌های شمالی ایران - زبانی در کشورمان
۸ - گلی رنگارنگ - قطعه‌ای از زمین زراعت کرده - بخشی از رودخانه
۹ - سیخ تنور - سطح جانبی چیزی - توان جسمی
۱۰ - ناخن اسب - شکر کننده - کمک و مدد
۱۱ - پروژه مهم نجوم رادیویی - شالوده - به تعبیری شکم!
۱۲ - راست و افروخته - اردنگی - پژمرده - خداحافظی خارجی
۱۳ - سران - موجود - بزرگ‌ترین شهرستان استان گیلان از لحاظ وسعت
۱۴ - هنر نمایش - پشت سر هم - لفظ قلم
۱۵ - گیاهی دارویی - اثر باستانی بم

عمودی

۱ - سبکی در نقاشی - پایه‌ها
۲ - سزاوار - قواعد و روش‌ها - وسیله‌ای برای اتصال قطعات فلزی به هم
۳ - این‌گونه هم کلمه تصدیق است - ساز ارامنه - تن‌ها
۴ - پایتخت جهانی موسیقی - کمیاب - هر چه نرم و سست باشد - قدیمی‌ترین پایتخت جهان
۵ - متین - پشیمانی - نوعی موسیقی مبتذل
۶ - صدمه - مخفف ناگاه - دانه‌دانه
۷ - ظلم - اثر صادق هدایت - تنگ آب
۸ - نرم شدن - دیوار بلند - کلمه تأکید
۹ - شهر خراسان رضوی - آموزه - پدر پدر یا پدر مادر
۱۰ - محصول هنری نقاش - ترسناک - موی پیچیده
۱۱ - انبار ته کشتی - نادانی - میانجی
۱۲ - مخفف آونگ - نمره کمتر از ده - رزم - مانند
۱۳ - عروس شهرهای ایران - علم غیراکتسابی - فرودگاه نظامی «روسیه»
۱۴ - شب بلند - خانه بزرگ - کیفیت برتر صدا
۱۵ - منع کردن - اثر تاریخی شهرستان اشنویه

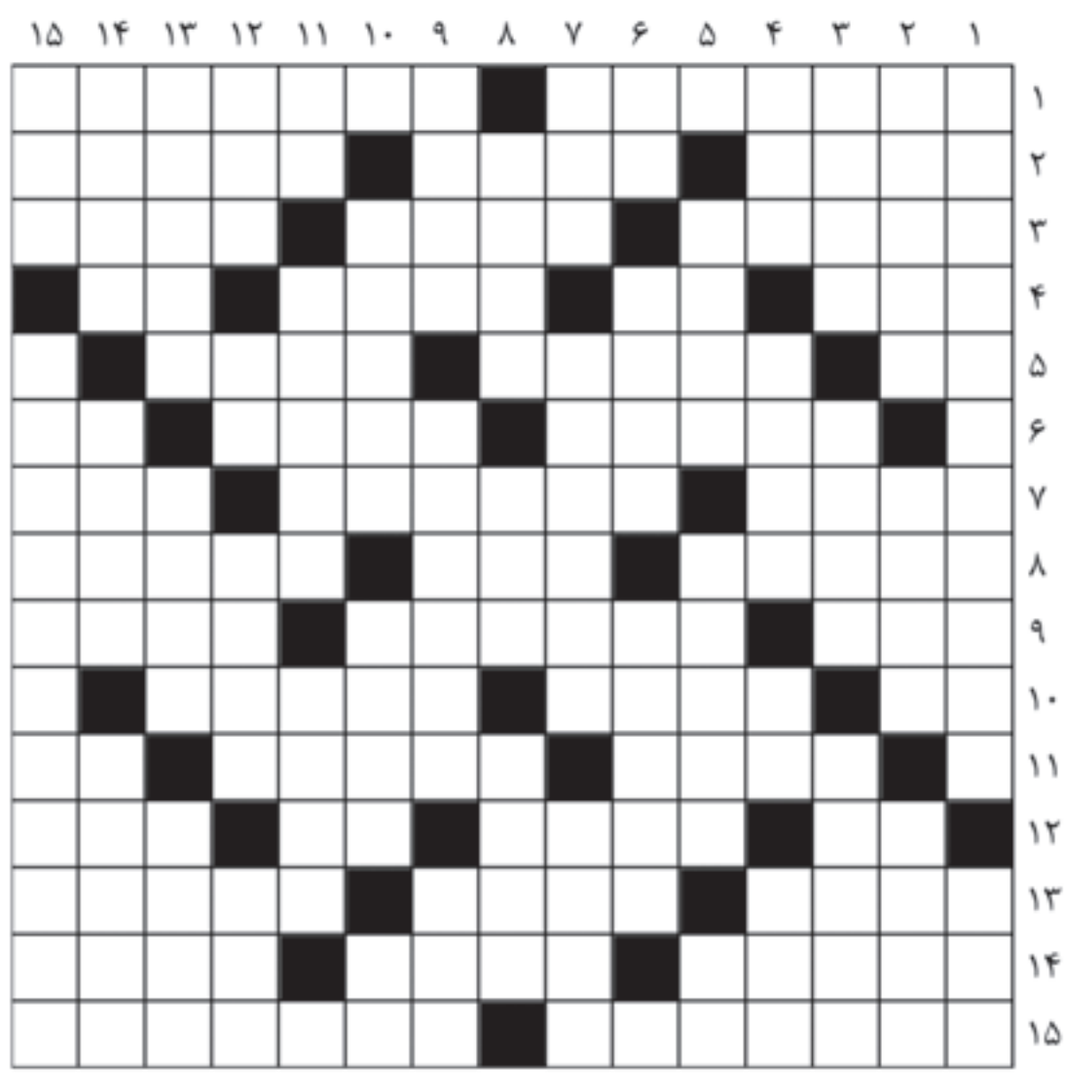

حل جدول عادی شماره ۹۱۸۷

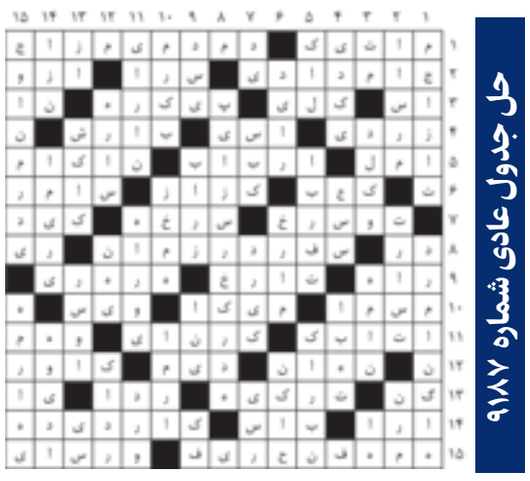

حل جدول ویژه شماره ۹۱۸۷

